

اشاره:

عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران گفت: «متأسفانه در طی سال‌های اخیر، سختگیرانه‌ترین قوانین و قواعد و پیچیده‌ترین روندها برای فعالان صنعتی و بازرگانی کشور وضع گردیده و هیچ توجهی به شرایطی که مولود سیاست‌های دولت می‌باشد و به واسطه آن مشکلات عدیده برای فعالان اقتصادی فراهم گردیده است؛ نمی‌شود. این شرایط مطلقاً در سایر کشورها وجود ندارد برای مثال اگر امروز در مورد رفع تعهد ارزی با یک صادرکننده چینی یا کره‌ای یا ترک صحبت کنید متوجه صحبت‌های شما نخواهد شد زیرا رفع تعهد ارزی برایش معنا و مفهومی ندارد ولی صادرکننده ایرانی باید تمهیدات مختلفی را مدنظر قرار دهد تا اطمینان سیستم بانکی را نسبت به بازگشت ارز صادراتی و سایر مسائل جلب کند و بخشی از وظایف حاکمیتی از قبیل نقل و انتقال پول و امور بانکی و هزینه‌های مربوطه را به دلیل تحریم‌ها تقبل نماید»

به گفته این صنعتگر نساجی، «بانک مرکزی طی سال‌های اخیر از سیستم رفع تعهد ارزی منتفع شده و توانسته به قیمت اضمحلال بخش صادراتی کشور و از جیب صادرکنندگان بخشی از سیاست‌های مدنظر خود را پیش ببرد لذا در برابر هرگونه اصلاح و تغییر مقاومت می‌کند. از طرفی در بسیاری از موارد یک تصمیم نادرست در بدنه دستگاه‌های دولتی به صورت ناگهانی و بدون اطلاعات و مطالعه کافی گرفته می‌شود اما تغییر آن حتی برای کسانی که خود آن تصمیمات را اتخاذ کرده‌اند به سرعت امکان‌پذیر نیست و مدت‌ها به طول می‌انجامد تا مورد اصلاح قرار گیرد.» وی در بخش دیگر این مصاحبه سیاستگذاران باید به این آگاهی برسند که تداوم وضعیت آشفته و نامطلوب فعلی نه تنها کشور را به واردکننده صد درصد کالاها و محصولات مختلف از جمله فرش، موکت، پوشاک، پارچه، نخ و... تبدیل می‌کند بلکه مشکلات امنیتی زیادی را در پی خواهد داشت.



## صادرات غیرنفتی؛ گروگان بانک مرکزی



«اجازه دهید این گفت‌وگو را با مسائل مرتبط با رفع تعهد ارزی آغاز نمایم.»

در حالی که تا یک ماه دیگر وارد نیمه دوم سال می‌شویم هنوز سیاست‌های رفع تعهد ارزی سال جاری ابلاغ نشده و این موضوع در کشاکش میان بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت قرار دارد. به همین دلیل فعلاً روش‌های سال گذشته در زمینه رفع تعهد ارز حاصل از صادرات (واردات مقابل صادرات و فروش ارز در سامانه نیما) پابرجا هستند. پیش از این بسیاری از صادرکنندگان علیرغم تفاوت حدود ده درصدی نرخ سنا نسبت به نرخ بازار آزاد به ناچار ارز خود را در سامانه مذکور ارائه می‌دادند اما از بهمن سال گذشته با افزایش این مابه‌التفاوت، عرضه ارز در سامانه سنا

کاهش یافته است لذا حدود یک ماه پیش بانک مرکزی روشی جدید تحت عنوان خرید ارز به «نرخ توافقی» را ارائه داده تا صراف‌ها بتوانند براساس نرخ توافقی، ارز صادرکنندگان را خریداری نمایند منتها این روش در مرحله اجرا با مشکلاتی مواجه شد به این صورت که مبالغ بالای ده هزار دلار باید دارای اظهارنامه ورودی باشند یعنی اسکناسی که وارد می‌شود در مبادی ورودی کشور مورد تأیید گمرک قرار گیرد. طبعاً این ارز ورودی به کشور ما باید از مبادی خروجی یک کشور دیگر خارج شده باشد. همانطور که هنگام خروج، ما حداکثر امکان خروج ۵ هزار یورو را داریم سایر کشورها نیز اجازه خروج نامحدود ارز را نمی‌دهند. بانک

رفع تعهد ارزی برایش معنا و مفهومی ندارد ولی صادرکننده ایرانی باید تمهیدات مختلفی را مدنظر قرار دهد تا اطمینان سیستم بانکی را نسبت به بازگشت ارز صادراتی و سایر مسائل جلب کند و بخشی از وظایف حاکمیتی از قبیل نقل و انتقال پول و امور بانکی و هزینه‌های مربوطه را به دلیل تحریم‌ها تقبل نماید.

با توجه به اینکه مشکلات و معایب این نوع سیاست‌ها روشن و واضح است فکر می‌کنید چرا مدیران ما نسبت به تغییر این سیاست‌ها اقدام به عمل نمی‌آورند؟ آیا شهامت تغییر را ندارند یا پای منافع جریانات و افراد خاصی در میان است؟

هر دو این عوامل مؤثر می‌باشند. برخی مدیران نه تنها در تصمیم‌گیری‌های اشتباه‌ذی‌نفع نیستند بلکه کاملاً نسبت به نادرستی تصمیم‌ها واقفند و خود را منتقد سرسخت این سیاست‌ها به‌شمار می‌آورند ولی خود را متعهد و مسئول به ایجاد تغییرات نمی‌دانند و حاضر نیستند برای اصلاح شرایط وارد میدان شوند و همیشه با محافظه‌کاری از کنار چنین مسائلی عبور می‌کنند. موضوع دیگر این‌که بانک مرکزی طی سال‌های اخیر از سیستم رفع تعهد ارزی منتفع شده و توانسته به قیمت اضمحلال بخش صادراتی کشور و از جیب صادرکنندگان بخشی از سیاست‌های مدنظر خود را پیش ببرد لذا در برابر هرگونه اصلاح و تغییر مقاومت می‌کند. از طرفی در بسیاری از موارد یک تصمیم نادرست در بدنه دستگاه‌های دولتی به صورت ناگهانی و بدون اطلاعات و مطالعه کافی گرفته می‌شود اما تغییر آن حتی برای کسانی که خود آن تصمیمات را اتخاذ کرده‌اند به سرعت امکان‌پذیر نیست و مدت‌ها به طول می‌انجامد تا مورد اصلاح قرار گیرد.

از دیگر سو مشکل صادرکنندگان در زمینه رفع تعهد ارزی زیربنایی و اساسی است و ریشه در نگاه و تفکر مدیران دارد به بیان دیگر اولین اقدام تمام دولت‌های بعد از انقلاب به محض بروز کوچک‌ترین مشکل ارزی، احیای «پیمان سپاری



مرکزی خواستار توقف این اقدام صرافی‌ها شد و آن را دور زدن قوانین دانست و اعلام کرد اگر صادرکننده می‌خواهد روزانه ۱۰ هزار دلار به صرافی‌های مجاز بفروشد باید اظهارنامه‌های صادراتی آن نیز ۱۰ هزار دلاری باشد. در نهایت علی‌رغم تبلیغات گسترده رسانه‌ای پیرامون خرید ارز به نرخ توافقی در عمل هیچ‌گشایشی در تسهیل رفع تعهد ارزی صادرکنندگان به وجود نیامده و شاید تنها توفیق کوتاه مدت آن برای بانک مرکزی مدیریت بازار ارز بوده است! عملاً ما مانده‌ایم و تعهدات ارزی که طی ۳-۴ سال اخیر بارها و بارها ایرادات و اشکالاتش عنوان شده ولی هیچ مرجعی شهامت اصلاح و تغییر آن را ندارد.

متأسفانه در طی سال‌های اخیر، سختگیرانه‌ترین قوانین و قواعد و پیچیده‌ترین روندها برای فعالان صنعتی و بازرگانی کشور وضع گردیده و هیچ توجهی به شرایطی که مولود سیاست‌های دولت می‌باشد و به‌واسطه آن مشکلات عدیده برای فعالان اقتصادی فراهم گردیده است؛ نمی‌شود. این شرایط مطلقاً در سایر کشورها وجود ندارد برای مثال اگر امروز در مورد رفع تعهد ارزی با یک صادرکننده چینی یا کره‌ای یا ترک صحبت کنید متوجه صحبت‌های شما نخواهد شد زیرا

مرکزی بهتر از هر کسی در جریان محدودیت‌های این چینی قرار دارد و می‌داند فردی که برای مثال صد هزار دلار به همراه دارد در کشور مبدأ به عنوان قاچاقچی ارز دستگیر خواهد شد اما هیچ مسئولیتی را متوجه خود نمی‌داند. متأسفانه سیستم بانکی که باید وظیفه نقل و انتقال پول و تسهیل فعالیت‌های صادراتی و تجاری کشور را برعهده بگیرد عملکرد ناقص و ابتری دارد و صادرکننده باید جور این سیستم معیوب را هم کشیده و وظیفه انتقال پول را به دوش بکشد در نتیجه بدلیل معضلات فوق مکانیسم خرید ارز به «نرخ توافقی» تاکنون کارساز نبوده است از طرفی بانک مرکزی در ابتدا اعلام کرد فروش مقادیر زیر ده هزار دلار نیاز به ارائه اظهارنامه گمرکی دارد و هر شخص حقیقی و حقوقی می‌تواند این میزان ارز را با نرخ توافقی به صرافی‌های مجاز بفروشد. (البته باید توجه داشته باشیم نرخ توافقی چندان هم «توافقی» نیست و کاملاً تحت کنترل دستوری بانک مرکزی قرار دارد تا از محدوده خاصی عبور نکند.)

در این شرایط برخی صادرکنندگان تصمیم گرفتند روزانه ده هزار دلار را بر مبنای نرخ توافقی به صرافی‌ها بفروشند تا بخش کوچکی از مشکلات خود را حل کنند پس از گذشت دو هفته بانک

ارزی» و اعمال فشار به صادرکنندگان می‌باشد و گویا هیچ راهکار دیگری به ذهنشان نمی‌رسد! طی ۴۰ سال اخیر که طیف‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی به قدرت رسیده‌اند پیمان سپاری ارزی از جمله فصول مشترک آنهاست.

تعجب آور است که هیچگاه هیچکدام از مدیران از خود نمی‌پرسند هدف از اجرای سیاست پیمان سپاری ارزی چه بوده است و تا چه میزان به آن اهداف دست یافته‌ایم؟ مسئولان به کرات عنوان کرده‌اند هدف از اجرای این قانون مدیریت واردات و افزایش صادرات غیرنفتی می‌باشد اما در عمل آمارها بیانگر کاهش میزان صادرات غیرنفتی و در بسیاری از موارد افزایش میزان واردات کالاهای غیرضروری که بسیاری از آنها تولید داخل نیز دارند می‌باشد. پس این سیاست ارزی برای تولید و صادرات مخرب بوده و نتیجه معکوس در برداشته است کما این که صادرکنندگان، اقتصاد دانان و کارشناسان مسائل بازرگانی کشور و حتی مدیران دولتی در مورد نادرستی پیمان سپاری ارزی متفق‌القول هستند و بارها در سخنان خود اشاره کرده‌اند که این نوع سیاست‌ها در هیچ کشوری سابقه اجرا ندارد ولی محافظه‌کاری بعضی از مدیران و منافع مادی گروهی دیگر مانع از ایجاد تغییر در این روشها گردیده است.

ما معتقدیم حتی همین سیاست سرا پا اشتباه و غلط را هم می‌توان به شکل بهتری اجرایی نمود تا زیان کمتری متوجه صادرکنندگان گردد و می‌توان در مسیر اجرایی آن با صادرکنندگان تعامل نمود درحالی که در حال حاضر عملاً تمام مسیرهای مقابل صادرکنندگان به زیان آنها منتهی می‌شود چگونه می‌توان انتظار توسعه صادرات غیرنفتی را داشت؟

در این شرایط امروز بانک مرکزی انتظار دارد صادرکننده دلار ۳۲ هزار تومانی بازار را به نرخ ۲۶ هزار تومان به سامانه نیما ارائه دهد. این روند زیان هنگفت واحدهای تولیدی را به همراه دارد چون مواد اولیه مورد نیاز را با دلار ۳۲ هزار تومانی از بازار تهیه می‌کند یا در روش دیگر صادرکننده موظف به

فروش ارز طبق نرخ توافقی است در حالی که عملاً فروش ارز در این روش امکان‌پذیر نیست (حتی اگر به فرض محال، امکان‌پذیر هم که باشد باز هم زیان مالی صادرکننده را به همراه دارد) در روشی دیگر مسئولین پیشنهاد واردات مقابل صادرات را مطرح می‌کنند. وقتی در مورد تکلیف شرکت‌هایی که حجم وارداتشان کمتر از میزان صادراتشان است سوال می‌کنیم به «واگذاری به شخص ثالث یا واردکننده غیر» اشاره می‌کنند ولی خوب می‌دانند متقاضی برای خرید ارز صادراتی وجود ندارد. چرا که بانک مرکزی تمام نیازهای ارزی کشور را در سامانه نیما تأمین می‌نماید و بدلیل نرخ پایین ارز در سامانه نیما اولویت وارد کنندگان خرید از سامانه می‌باشد. در این حال در شرایطی که تمام کشورها به صادرکنندگان مشوق‌ها و جوایز صادراتی اعطا می‌کنند اما در کشور ما نه تنها تشویقی وجود ندارد بلکه سیستم تنبیه و جریمه صادرکنندگان در حال اجراست. به همین دلیل صادرکنندگان انگیزه‌ای برای صادرات ندارند.

#### ۱۴ اصولاً توجیهی برای صادرات وجود دارد؟

با این شرایط و روند، صادرات توجیهی ندارد به همین دلیل سال گذشته صادرات فرش دستباف حدود ۶۰ میلیون دلار بود در حالی که سال‌ها پیش حجم آن به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار می‌رسید. سال ۱۳۹۶ آمار صادرات نساجی یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بود و این رقم در سال ۱۴۰۰ و ۶۸۰ میلیون دلار کاهش پیدا کرد. از دیگر سو شاهد افزایش واردات کالاهای مختلف از جمله منسوجات و پوشاک هستیم یعنی درست برخلاف سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی کشور که حمایت از تولید و توسعه صادرات و مهار واردات بوده عمل شده است درواقع به واسطه این سیاست‌ها نه تنها واحدهای تولیدی رشد و رونقی را تجربه نکرده‌اند و گشایشی برای صادرات رخ نداده بلکه عملاً شاهد گسترش واردات بوده‌ایم. جالب است بدانید در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۷۵۰ میلیون واردات پارچه صورت گرفته است در حالی که واحدهای

تولیدکننده پارچه در کشور کمتر از ظرفیت اسمی خود مشغول تولید هستند. نکته دردآور این است که پارچه‌های وارداتی محصول خاص یا پیچیده‌ای نیستند که امکان تولید آن در کشور مهیا نباشد بلکه پارچه‌هایی هستند که در تولید بسیاری از آنها دارای مزیت هستیم. تولیدکننده داخلی مواد اولیه، قطعات یدکی و ... را به نرخ دلار ۳۲ هزار تومانی خریداری می‌کند اما واردکننده همان محصول ارز ۲۶ هزار تومانی دریافت می‌کند!

علاوه بر این مشوق‌های صادراتی سایر کشورها در قیمت تمام شده محصولات و نهایتاً قیمت صادراتی واحدهای تولیدی‌شان بسیار موثر است که تولیدکننده ایرانی از آن محروم می‌باشد در نتیجه این شکاف، انگیزه واردات افزایش یافته و بسیاری از افراد به واردکنندگان محصولات تبدیل شده‌اند که در سال‌های پیش به دلیل تولید داخلی، وارد کشور نمی‌شد و حتی بخشی از تولیدات آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد.

مجموع این شرایط و برآیند سیاست‌های اتخاذ شده ما را به این گمان سوق می‌دهد که شاید در بعضی رده‌ها و مراجع تصمیم‌گیری کشور، کسانی حضور دارند و تصمیم می‌گیرند که عملکردشان در راستای تأمین منافع دشمنان ایران است و این تردید شکل گرفته که عوامل دشمنان خارجی هستند و گرنه اتخاذ این حجم از تصمیمات نادرست و ضد تولید در عرصه اقتصاد کشور نمی‌تواند طبیعی باشد. همان‌طور که در مسائل امنیتی کشور جاسوسان و تروریست‌های بسیاری شناسایی و دستگیر می‌شوند تروریست‌های اقتصادی هم در ساختار تصمیم‌سازی کشور نفوذ کرده‌اند که عملکردشان بر زندگی و معاش هشتاد میلیون نفر تأثیر منفی و جبران‌ناپذیر به جا می‌گذارد.

#### ۴ برای خروج از این بن بست آیا راهکار مشخص و عملیاتی وجود دارد؟

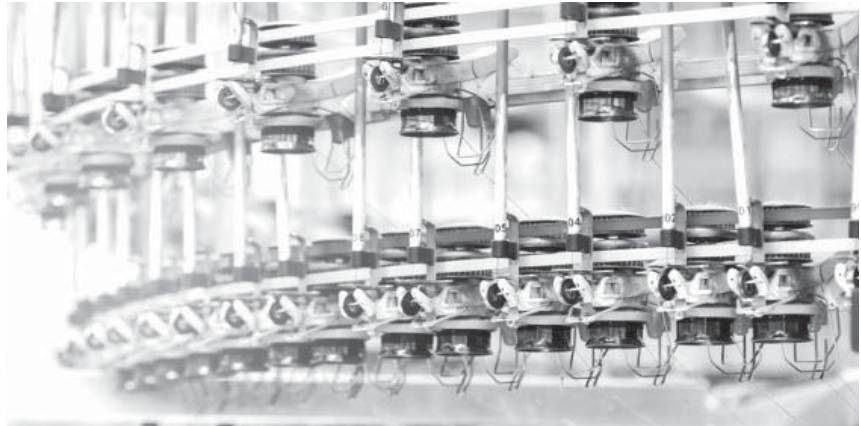
در مورد پیمان سپاری ارزی پیشنهاد ما صادرکنندگان این است که دیگر ارزی از سامانه نیما به واردکنندگانی که کالاهای وارداتی آنها تولید

سیاستگذاران به درستی تبیین شود. ۱۰ سالی است که در کشور با رشد منفی سرمایه‌گذاری مواجهیم و سرمایه‌گذاری‌های جدید حتی تکافوی استهلاک ماشین‌آلات صنعتی و تولیدی را هم نمی‌دهد که این امر در نوع خود یک فاجعه به شمار می‌آید و به همین دلیل رشد اقتصادی در نقطه صفر باقی مانده و شاهد تغییر چندانی نیستیم. سیاستگذاران باید به این آگاهی برسند که تداوم وضعیت آشفته و نامطلوب فعلی نه تنها کشور را به واردکننده صد درصد کالاها و محصولات مختلف از جمله فرش، موکت، پوشاک، پارچه، نخ و ... تبدیل می‌کند بلکه مشکلات امنیتی زیادی را در پی خواهد داشت.

«تاکنون اقدامی برای آگاه‌سازی سیاستگذاران و مسئولان مرتبط دولتی (حداقل در صنایع نساجی) انجام شده است؟»

یکی از برنامه‌های اصلی هیئت مدیره فعلی انجمن صنایع نساجی ایران نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات است و تقریباً در تمام جلسات هیئت مدیره با نمایندگان مجلس، مسئولان وزارتخانه‌ها و سایرین این موضوع مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد و مکاتبات متعدد و مکرری با مسئولان ذیربط صورت گرفته است. در حال حاضر مجلس و اتاق بازرگانی ایران در راستای تدوین برنامه هفتم توسعه، خواستار اعلام برنامه‌های انجمن صنایع نساجی شده‌اند که کارگروهی در انجمن با اتکا به داده‌های طرح پایش تشکیل شده تا با بهره‌گیری از اطلاعات و مستندات موجود و در راستای تحقق برنامه‌های بالادستی پیشنهادات لازم به مراجع ذیصلاح ارائه گردد. امیدواریم مسئولان ذی‌ربط با بهره‌گیری از نقشه راه پیشنهادی انجمن صنایع نساجی ایران، نوسازی و بازسازی و ایجاد واحدهای جدید در حوزه صنعت نساجی را بعنوان یکی از اولویت‌های کشور پذیرفته و در این راستا برنامه‌های عملیاتی را مصوب نمایند و موجبات رشد و توسعه این صنعت را فراهم سازند.

تهیه و تنظیم: سیدضیاءالدین امامی رئوف



باقی نمی‌ماند. با توجه به حضور چهره‌های جوان و انقلابی در بدنه دولت و نگاه نسبتاً مثبتی که این گروه از مدیران به‌خصوص در سازمان توسعه تجارت نسبت به توسعه صادرات کشور دارند امیدواریم تغییرات مثبتی را در ماه‌های پیش رو در این حوزه شاهد باشیم.

«پرسش بعدی در مورد نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات واحدهای تولیدی است. تولیدکننده از یک‌سو، توان و توجیهی برای صادرات ندارد، تحریم‌های بین‌المللی که امکان تبادل با سایر کشورها را به شیوه عادی از آنان سلب می‌کند؛ در بازار داخلی هم که با کاهش قدرت خرید مردم روبروست؛ با این اوصاف می‌توان به بازسازی خطوط تولید فکر کرد؟»

از نظر منطقی پاسخ منفی است و هیچ انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت وجود ندارد لذا بسیاری از واحدها با ظرفیت پایین کار می‌کنند ولی انسان به امید زنده است و این روحیه امیدواری مردم را فعال و پویا نگه می‌دارد. سرمایه یک تولیدکننده برخلاف تاجر درگاو صندوق و حساب‌های بانکی انباشته بلکه در ماشین‌آلات و نیروهای انسانی شاغل و عشق و علاقه به اعتلا و توسعه کشور عزیزمان خلاصه می‌شود که به سادگی نمی‌توان آنان را کنار گذاشت پس ما تولیدکنندگان مجبور به ادامه مسیر هستیم و همه ما امیدواریم که این شرایط تا ابد ادامه پیدا نکند پس برای ادامه حیات ابتدا باید ضرورت نوسازی و بازسازی خطوط تولید در ذهن

داخل دارد اختصاص پیدا نکند و تأمین ارز این گونه محصولات از محل ارز صادرکنندگان صورت پذیرد به این ترتیب مسیر حضور واردکننده کالای ساخته شده در سامانه نیما بسته می‌شود در این صورت شرایط به شکل تقریباً منطقی‌تری برای صادرکنندگان پیش خواهد رفت. برای مثال به این موضوع اشاره کنم که تا سال پیش به واردات تلفن همراه ارز نیمایی اختصاص پیدا می‌کرد ولی هنگام خرید تلفن همراه از فروشگاه فروشنده به بهانه افزایش نرخ دلار محصول را طبق نرخ بازار آزاد می‌فروخت! پس فاصله میان ارز نیمایی و بازار آزاد مستقیم به جیب واردکننده می‌رود و هیچ نفعی از آن به مصرف کننده نهایی نمی‌رسد لذا به دولتمردان پیشنهاد می‌کنیم به مواد اولیه مورد استفاده واحدهای تولیدی ارز نیمایی اختصاص یابد و دست واردکنندگان کالاهای ساخته شده بخصوص کالاهای (دارای مزیت تولید داخل) از رسیدن به ارز نیمایی کوتاه شود؛ ما می‌گوییم لااقل اگر اراده‌ای برای حمایت از صادرات ندارند به فکر تولیدکننده داخلی باشند که بدلیل رانت ارزی ایجاد شده مشابه خارجی محصولاتشان به وفور وارد بازار شده است.

هرچند در اساس تا زمانی که سیستم ارز چندنرخه پابرجاست بستر سوءاستفاده از شکاف بین ارز دولتی و بازار آزاد مهیاست لذا اجرای واقعی یکسان‌سازی نرخ ارز مانند تمام کشورها یگانه راهکار مؤثر و منطقی به نظر می‌رسد و دیگر دلیلی برای مداخله دولت در کنترل بازار ارز و سوء استفاده دیگران